

# عربی‌های دیوان حافظ

ترکیب‌ها، جمله‌ها، عبارات،  
مصرع‌ها و بیت‌های عربی در اشعار حافظ

أَلَا يَا أَيُّهَا السَّاقِي أَدِرْ كَأْسًا وَنَاوِلْهَا

دکتر سید علی موسوی گرمارودی

# عربی‌های دیوان حافظ

ترکیب‌ها، جمله‌ها، عبارات،  
مصراع‌ها و بیت‌های عربی در اشعار حافظ

دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی



آشورات طهوری

|                         |                                                                                                                |
|-------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | موسوی گرمارودی، سیدعلی، ۱۳۲۰-                                                                                  |
| عنوان قراردادی          | دیوان، برگزیده، شرح<br>Divan. Selection. Interpretation                                                        |
| عنوان و نام پدیدآور     | عربی‌های دیوان حافظ: ترکیب‌ها، جمله‌ها، عبارات، مصراع‌ها و بیت‌های عربی در اشعار حافظ / سیدعلی موسوی گرمارودی. |
| مشخصات نشر              | تهران: طهوری، ۱۳۹۶.                                                                                            |
| مشخصات ظاهری            | ۱۰۰ ص.                                                                                                         |
| شابک                    | 978-600-5911-51-0                                                                                              |
| وضعیت فهرست‌نویسی: فیا. |                                                                                                                |
| یادداشت                 | کتابنامه.                                                                                                      |
| عنوان دیگر              | ترکیب‌ها، جمله‌ها، عبارات، مصراع‌ها و بیت‌های عربی در اشعار حافظ.                                              |
| موضوع                   | حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق. دیوان - نقد و تفسیر.                                                             |
| موضوع                   | Hafiz, Shamsoddin Mohammad, 14 <sup>th</sup> century. Divan-Criticism : and interpretation                     |
| موضوع                   | شعر عربی - قرن ۸ق.                                                                                             |
| موضوع                   | Arabic Poetry - 14 <sup>th</sup> century :                                                                     |
| موضوع                   | شعر فارسی - تأثیر عربی.                                                                                        |
| موضوع                   | Persian poetry - Arabic influences :                                                                           |
| موضوع                   | شعر عربی - شاعران ایرانی.                                                                                      |
| موضوع                   | Arabic poetry - Iranian authors :                                                                              |
| موضوع                   | شعر عربی - قرن ۸ق. - تاریخ و نقد.                                                                              |
| موضوع                   | Arabic Poetry - 14 <sup>th</sup> century - History and criticism :                                             |
| شناسه افزوده            | حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق. دیوان. شرح.                                                                      |
| شناسه افزوده            | Hafiz, Shamsoddin Mohammad, 14 <sup>th</sup> century. Divan-Commentaries                                       |
| رده‌بندی کنگره          | ۱۳۹۶ / ۸۱۵۴ / م / ۴۳۵ PIR                                                                                      |
| رده‌بندی دیوبی          | ۳۲ / ۱۶۸                                                                                                       |
| شماره کتابشناسی ملی     | ۵۰۱۰۲۳۷                                                                                                        |



انتشارات طهوری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵

تلفن ۶۶۴۰۶۳۰-۶۶۴۰۰۱۸

عربی‌های دیوان حافظ

دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی

چاپ اول، ۱۳۹۶

صفحه‌آرایی: علهرروز

ناظر فنی چاپ: بهروز مستان

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است

۱۲۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

|                                       |    |
|---------------------------------------|----|
| پیشگفتار.....                         | ۵  |
| فصل اول - عربی های بخش قصائد.....     | ۱۳ |
| فصل دوم - عربی های بخش غزلیات.....    | ۱۷ |
| فصل سوم - عربی های بخش مثنوی ها.....  | ۷۹ |
| فصل چهارم - عربی های بخش قطعه ها..... | ۸۱ |
| نمایه.....                            | ۹۱ |
| منابع.....                            | ۹۷ |

## پیشگفتار

سنت «عربی‌دانی و عربی‌خوانی و عربی‌نویسی» که در قرن چهارم و پنجم قمری، در میان ایرانیان، با ابوالفتح بُستی و ابن‌عمید و پسرش و صاحب‌بن عباد و برخی شاهزادگان آل بویه چون ابوالعباس خسرو فیروز، پسر رکن‌الدوله، و ده‌ها تن دیگر مانند آنان، به اوج رسیده بود، در قرن هشتم و زمان حافظ، هم‌چنان کم و بیش رواج داشت.

گواه این سخن، عربی بودن قسمت اعظم جُنْگی است که ده سال پیش از وفات حافظ، عده‌ای از دانشمندان آن را برای تاج‌الدین احمد وزیر، در سال ۷۸۲ق. به وجود آورده بوده‌اند. نام اصلی این کتاب نفیس و نادر، کُنْزُ الْجَوَاهِرِ مِنْ لَطَائِفِ الْأَكَابِرِ و مشهور به بیاض تاج‌الدین احمد وزیر است؛ حاوی آثاری از بزرگان علم و ادب ایران از قرن هشتم، به خط خودشان، از قبیل: میرسید شریف جرجانی و معین‌الدین جنید واعظ و قطب‌الدین فالّی و شرف‌الدین قیری و عمادالدین قزوینی و غیاث‌الدین لطف‌الله ابرقوه‌ی و غیاث‌الدین منصور... و منشآت جلال‌الدین فریدون عکاشه و رساله ربیعیه، هم از او، در ستایش جلال‌الدین مسعود اینجو و فتحنامه اصفهان مورخ ۷۶۸ از جمال‌الدین حاجی منشی و غزل‌هایی از

شمس‌الدین محمد حافظ که در عهد خود او در این کتاب نوشته شده‌اند. و شعرهای ابوسعید بهادر و عزالدین مطهر و شاه شجاع و ... .

حتی مقدمه این کتاب نفیس که ۷۹ تن از بزرگان هم‌دوره حافظ، به خط خودشان، از خویش یا از دیگران، در آن مطلب یا مطالبی نوشته‌اند، به زبان عربی است:

«... و لما كان غرائب الجواهر المنتظمة في هذا العقد من اصناف  
أكابر الأعيان و اعيان الاكابر، و سَمَّ بِكُنْزِ الجواهرِ مِنْ لَطَائِفِ الاكابر، مطابقةً  
بَيْنَ اسْمِهِ و مُسَمَّاه و لَفْظِهِ و فَحَواه...»<sup>۱</sup>

یعنی: از آنجا که مرواریدهای درخشان نظم یافته در گردن آویز (این بیاض)، از صدف (ذهن و فکر) بزرگان متشخص و متشخصان بزرگ (برآمده) است، گنجینه گوهر لطیفه‌های بزرگان، نامیده شد تا میان اسم و مسما و زبان و محتوایش همگونی باشد.

بنابراین، جای شگفتی نیست اگر حافظ می‌فرماید:

اگر چه عرض هنر پیش یار بی ادیبست  
زبان خموش و لیکن دهان پر از عربیست

و نشانه آن، شعرهایی عربی است که خود سروده یا از دیگران با تضمین و اقتباس و تلمیح در شعرهای خویش، به کار برده است. از میان مطالب و کلمات عربی در دیوان حافظ، شعرهای عربی حافظ، همه از نوع «ملمع» است. ملمع در لغت به اسب ابرش می‌گویند یا هر چیز دیگر که در آن خال‌ها و لکه‌هایی، مخالف رنگ اصلی باشد، و در اصطلاح، شعری است که ابیات یا مصراع‌هایی دارد به غیر زبانی که شعر در آن سروده شده است.

۱. بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، نسخه چاپ عکسی، به کوشش ایرج افشار و مرتضی تیموری، مقدمه تیموری، ص ۱.

ملّمعات حافظ به چهار دسته، تقسیم می‌شود:

۱- دسته‌ای که مصراع اول بیت، عربی است - ۹ مورد.

۲- دسته‌ای که مصراع دوم بیت، عربی است - ۴۱ مورد.

۳- دسته‌ای که هر دو مصراع عربی است - ۲۱ مورد.

(یک مورد هم ملّمع غیر عربی و به زبان شیرازیِ زمانِ حافظ، در یک مصراع و دو بیت و تنها در یک غزل وجود دارد که از بحثِ ما بیرون است). اگر هفت موردی را که ملّمع نیستند و در آنها آیه‌ای قرآنی و یا شعر یا مثلی عربی یا بخشی از عبارتی عربی با صنعت تضمین یا اقتباس یا ارسال مثل، یا تلمیح، گنجانده شده، و نیز کلمات مرکّب (با ترکیب عربی مثلاً ناصرالدین و نه ناصر دین) را به ملّمعات مذکور در فوق بیفزاییم، جمع عربیات حافظ که در متن دیوان تصحیح قزوینی - غنی، به کار رفته است، بسیار خواهد بود؛ البته در غزلیات، قصاید و قطعات و مثنوی‌ها (و نه در رباعیات؛ زیرا در رباعیاتِ دیوان حافظ، هیچ عبارت یا حتی کلمهٔ مرکّب عربی نیست).

هفت مورد پیش‌گفته، عبارتند از:

چشم حافظ، زیر بام قصر آن حوری سرشت

شیوهٔ جنّات تجری تحتها الانهار داشت

مگر وقت وفا پروردن آمد

که فالَم لا تذرنی فرداً آمد

هر نکته‌ای که گفتم، در وصف آن شمایل

هر کوشنید، گفتا: لله در قائل

خاکیان بی‌بهره‌اند از جرعهٔ کأس الکرام

این تطاول بین که با عشاق مسکین کرده‌اند

زمانه هیچ نبخشد که باز نستاند  
 مجوز سفله مرّوت که شینه لا شیء  
 بخیل بوی خدا نشنود، بیا حافظ  
 پیاله گیر و کرم ورز والضمّان علیّ  
 به صوت بلبّل و قمری اگر ننوشی می  
 علاج کی کنمت، آخر الدّواء الکی

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این هفت مورد، حافظ، در بیت اول و دوم، بخشی از دو آیه قرآنی را با صنعت اقتباس و در بیت سوم و پنجم و ششم و هفتم، چهار عبارت و مثل عربی را با صنعت ارسال مثل و در بیت چهارم، بخشی از یک مصراع بسیار مشهور عربی را با تلمیح یا تضمین به کار برده است.

اما در ۷۱ مورد دیگر نیز که یک مصراع یا یک بیت، تماماً عربی است، مواردی یافته می‌شود که حافظ یک بیت یا مصراع را از شاعری عرب یا شاعری فارسی (که عربی هم می‌سروده)، تضمین کرده و یا آن را با تلمیح به کار برده است. مرحوم علامه قزوینی در مجلّه یادگار (شماره‌های پنجم تا نهم از سال اول) جمعاً به تضمین‌های عربی حافظ و مآخذ آن اشاره فرموده است.

\*\*\*

برخی در مورد عربی‌سرایی حافظ، این سؤال را پیش کشیده‌اند که: آیا شعرهای عربی که حافظ خود سروده؛ همان جایگاه بلند و یگانه‌ای را دارند که اشعار فارسی او دارند؟

پاسخ برخی از صاحب‌نظران به این سؤال، منفی است.

مشروح‌ترین پاسخ منفی به این سؤال، از آن مرحوم دکتر احمد لواسانی است؛ از ادبای ایرانی‌الاصل لبنانی، (متوفای تابستان ۱۳۹۵ شمسی در لبنان). لواسانی در مقاله‌ای مشروح به نام: «العربیّة فی شعر حافظ



الشیرازی» که در کتاب: حافظ الشیرازی، شاعر العرفان و الاسلام<sup>۱</sup>، در مورد ملمعات حافظ؛ نه تنها آنها را ضعیف بلکه ناتوان و کم ارزش می‌شمرد: عین عبارات او این است:

«... اَمَّا بِشَانِ مِلْمَعَاتِ حَافِظٍ، فَأُبَادِرُ إِلَى الْقَوْلِ أَنَّهَا ضَعِيفَةٌ ضَعِيفَةٌ ضَعِيفَةٌ، بَلْ رَكِيقَةٌ وَ غَثَّةٌ وَ هَذِهِ الضَّعْفُ فِيهَا هُوَ الَّذِي دَفَعَنِي إِلَى التَّمْهِيدِ بِالْقَوْلِ أَنَّ الشَّاعِرَ التَّاجِعَ فِي أَمْرِ أَوْ فِي أَمُورٍ، لَيْسَ دَائِمًا نَاجِحًا فِي كُلِّ الْأُمُورِ...» (ص ۳۰۵)

یعنی: در مورد ملمعات حافظ باید بگویم که بسیار ضعیف بلکه ناتوان و کم ارزشند و این ضعف در اشعار او همان چیزی است که مرا به پذیرش این قول، و ا می دارد که کامیابی شاعر در یک یا چند چیز، همیشه سبب کامیابی او در همه چیز، نیست.

دکتر لواسانی پس از آنکه می‌گوید یگانه بودن حافظ در غزلسرایی به زبان فارسی، لزوماً به معنی داشتن همین درجه و مقام، در سرودن شعر به زبان عربی نیست؛ سعدی را از همین منظر با حافظ مقایسه می‌کند و اگر چه مقام سعدی را هم در شعرهای عربی‌اش، با شعرهای فارسی وی قابل مقایسه نمی‌داند اما با بیان شواهد و ذکر دلایل، نشان می‌دهد که اشعار عربی سعدی از اشعار عربی حافظ، قابل قبول‌تر است.<sup>۲</sup>

لواسانی، برخی از ملمعات حافظ را مورد مذاقه و نقد قرار می‌دهد و علل سستی یا احیاناً نادرستی آن را بیان می‌دارد.

پیش از احمد لواسانی، مرحوم علامه قزوینی نیز به مواردی از همین گونه ایرادات اشاره کرده بود؛ والفضل للمتقدم.



۱. از انتشارات رایزنی فرهنگی ایران در دمشق در سال ۱۹۸۹، ص ۲۹۹ تا ۳۲۳.

۲. همان، ص ۳۱۰ به بعد.

در پایان این پیشگفتار، گفتنی است:

۱- ترجمه اشعار و ترکیب‌های عربی در این کتاب، بر اساس دیوان تصحیح قزوینی - غنی است. اگر جز آن، موردی به کار رفته باشد، یادآوری شده است.

۲- شماره سمت راست هر بیت، یا مصراع یا ترکیب عربی، شماره ترتیب پایپی و شماره سمت چپ ابیات، شماره قصیده یا غزل یا مثنوی یا قطعه‌ای است که آن بیت یا مصراع یا ترکیب عربی از آن نقل شده است.

۳- در ترجمه ابیات، مصراع‌ها و کلمات عربی به فارسی، تقییدی به سره‌نویسی نداشته‌ام اما کوشیده‌ام در برگردان ترکیبات، مناسبترین برابر نهاده را بیابم. همان کوششی که برخی از مترجمان اشعار حافظ به عربی هم، مانند ابراهیم امین الشواربی یا عمر محمد شبلی، در ترجمه خود به عربی، گاهی معادل‌های بسیار خوبی در زبان عربی برای برخی کلمات یا ترکیبات فارسی، یافته‌اند.<sup>۱</sup>

۴- این یادآوری نیز شاید لازم باشد که این نوشته، فرهنگ کلمات عربی دیوان حافظ به فارسی نیست بلکه صرفاً ترجمه ابیات و مصراع‌ها و امثال عربی به فارسی و نیز ترجمه و توضیح کلماتی است که ترکیب و صورت عربی خود را حفظ کرده‌اند. بنابر این، مثلاً از دو ترکیب «ناصر دین» و «ناصر الدین» (با آنکه هر دو عربی‌اند)، ترکیب «ناصر دین» از حوزه کار ما خارج است زیرا شکل و ترکیب آن فارسی است؛ ولی «ناصر الدین» در حوزه کار ماست؛ چون شکل و ترکیب آن عربی است. همچنین ما ترکیب «شحنة نجف» را که در دیوان تصحیح قزوینی - غنی با همین ترکیب فارسی آمده است، نیاورده‌ایم. هرچند در تصحیحی دیگر، «شحنة النجف» (با ترکیب عربی) آمده باشد. بگذریم از این مقوله که برخی از محققان،

۱. در مورد شبلی رجوع فرمایید به: کتاب او: حافظ شیرازی بالعربیة و نیز به مجله زبان و ادبیات ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۶، ش ۱۱، ۱۳۹۳، ص ۷۳ به بعد.

«شحنه» را نه عربی بلکه ترکی مغولی می‌دانند.<sup>۱</sup>

۵- ترتیب قرار گرفتن همه کلمات ترکیبی، جمله‌ها، عبارات، مصراع‌ها و بیت‌های عربی بر اساس ترتیبی است که در دیوان حافظ، از پنج بخش (قصیده، غزل، مثنوی، قطعه یا رباعی)، تنها در چهار بخش (قصیده، غزل، مثنوی و قطعه) آمده است زیرا در بخش رباعی مطلقاً «ترکیب عربی» وجود ندارد.

۶- ترجمه همه آیات قرآنی از قرآن کریم، ترجمه سیدعلی موسوی گرمارودی، چاپ پنجم، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۹۰ است.

۱. رجوع فرمایید به: معجم المعربات الفارسیه، محمّد التونجی، چاپ دوم، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۸، ص ۱۱۸.

## فصل اول

### عربی‌های بخش قصائد

۱- لامکان: بی جا

سلطان نشانِ عرصهٔ اقلیم سلطنت  
بالا نشین مسندِ ایوانِ لامکان ۱

لامکان یعنی: ویژگی آنچه کیفیتِ مادی ندارد تا در جایی قرار بگیرد. /  
عالم غیر مادی که جای معینی نیست، عالم ملکوت، عالم قدس (فرهنگ  
بزرگ سخن). / ناکجا / بی جایگاه / از صفات خداوند است.

۲- نعوذُ باللَّهِ: پناه می‌بریم به خداوند / پناه بر خدا

صواعقِ سختت را چگونه شرح دهم  
نعوذُ باللَّهِ از آن فتنه‌های طوفانی ۲

این ترکیب در بخش غزل‌ها هم در غزل ۴۵۲ تکرار شده است:

طریقِ عشقِ طریقی عجب خطرناک است  
نعوذُ باللَّهِ اگر ره به مقصدی نبری

### ۳- تبارک الله: «پاک و منزّه است خدای» / شگفتا!

سوابقِ کرمّت را بیان چگونه کنم  
تبارک الله از آن کارسازِ ربّانی ۲

«تبارک الله» را مرحوم دکتر معین، «پاک و منزّه است خدای»، معنی کرده و نیز می‌نویسد که در مورد تحسین و تعجّب به کار می‌رود (فرهنگ فارسی معین، ج ۴، بخش ترکیبات خارجی)؛ پس به معنی «شگفتا!» نیز می‌تواند به کار رود.

مرحوم فروزانفر آن را «بزرگوار است خدای» معنی کرده است. این ترکیب (تبارک الله) سه بار در قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره مبارک اعراف، و در آیه ۱۴ سوره مبارک مؤمنون / و آیه ۶۴ سوره مبارک غافر به کار رفته است.

(کشف‌الآیات الفبائی، سیدمهدی آیت‌اللهی، نشر جهان آرا، تهران، بی‌تا، ص ۸۹).

### ۴- انا الحق:

رموزِ سرّ انا الحق چه داند آن غافل  
که منجذب نشد از جذبه‌های سبحانی ۲

انا الحق یعنی: من حقّ، من خدایم!؛ قول منسوب به حسین بن منصور حلاج (مقتول ذیقعدۀ ۳۰۹ در بغداد) / فرهنگ فارسی معین، ج ۴، بخش ترکیبات خارجی).

پیش از حلاج، همین مضمون را، در شطح‌های بایزید بسطامی (درگذشته ۲۳۴، یا ۲۶۱ ق.) نیز نقل کرده‌اند که مشهورترین آن، شطح «سبحانی ما اعظم شانی!» است.

## ۵- کُن فکان:

رسد ز چرخ عطارد هزار تهنیت  
چو فکرت صفتِ امرِ کُن فکان گیرد ۲۹

کُن فکان یعنی باش! (/ بیاش!/)، آنگاه می‌باشد. / شو! (/ بشو!) آنگاه می‌شود.

مأخوذ از «کُن فیکون» در آیه: ۱۱۷ بقره: اِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهُ کُنْ فَيَکُوْنُ. (چون کاری را اراده کند تنها بدان می‌فرماید: باش! بی درنگ خواهد بود) و ده مورد دیگر در آیات: ۴۷ و ۵۹ آل عمران / ۷۳ انعام / ۱۴۴ اعراف / ۹۸ حجر / ۴۰ نحل / ۳۵ مریم / ۸۲ یس / ۶۸ غافر (= مؤمن) / ۶۶ زمر. مرحوم معین مفهوم دیگر کن فکان [= کُن فیکون] را زیر و زبر و خراب و ویران معنی کرده است.

## فصل دوم

### عربی‌های بخش غزلیات

۱ - أَلَا يَا أَيُّهَا السَّاقِي أَدِرْ كَأْساً وَ نَاوِلْهَا: هان ای ساقی! جامی بگردان  
و آن را (به من) برسان! (غزل ۱)  
در بین ملمعات خواجه، از بحث برانگیزترین موارد، مصراع مشهور  
«الایا ایها الساقی...» است که عقاید مختلفی در مورد منشأ آن، ذکر شده  
است. ظاهراً نخستین کسی که مأخذی برای آن یافته یا تراشیده، سودی است  
که آن را به یزید، نسبت داده و می‌گوید: «... این مصرع، بیت ثانی از  
قطعه‌ای است که یزیدبن معاویه، بر وزن هزج سروده و اصل قطعه، عیناً  
بدین قرار است»:

أنا المسموم ما عندي بتریاق و لا راقٍ  
أدركأساً و ناولها الا یا ایها الساقی

(ترجمه شرح سودی بر حافظ، ج ۱، ص ۱)

من مسموم شده‌ام و پادزهر و افسونگری (/ درمانگری) ندارم / ای  
ساقی! جامی بگردان و آن را (به من) برسان!  
اما، مرحوم علامه قزوینی، به شدت به سودی می‌تازد و قول او را

«حکایتی بی‌نهایت عامیانه و سخیف» و «به کلی بی‌اصل و مجعول» می‌داند.  
(یادگار، سال اول، شماره ۹، ص ۷۰)

و حتی دو قطعه کوتاهی را که سودی از اهلی شیرازی و کاتبی نیشابوری  
نقل و ادعا می‌کند که در اعتراض به حافظ، سروده بوده‌اند مجعول می‌داند.  
قزوینی سپس می‌گوید: «...در هیچ یک از مآخذ، بدون استثنا، تا آن  
جا که من تتبع کرده‌ام، مطلقاً و اصلاً، از دو بیت محل گفتگوی ما، یعنی انا  
المسموم ما عندی... اثری و نشانی نیافتم...»

(یادگار، س ۱، شماره ۹، ص ۷۰)

انجوی شیرازی از قول آلکساندر میچلی A. Miceli، مستشرق  
ایتالیایی، مأخذ آن را، شعری از ابوالفضل عباس بن احنف از شعرای معاصر  
هارون الرشید می‌داند و آن بیت را چنین نقل می‌کند:

يا ايها الساقى ادر كاسنا  
وَ اكثِرِ علينا سَيِّدَ الْأَشْرِبَاتِ

(دیوان حافظ، تصحیح انجوی شیرازی، ص ۱)

(ای ساقی جام ما را به گردش درآور / و برترین نوشیدنی‌ها (= شراب)  
را پیاپی به ما برسان)

عبدالحسین زرّین‌کوب می‌نویسد: «... در دیوان شمس مغربی هم  
غزلی هست که مطلعش بی‌شبهت به این مطلع از شعر حافظ نیست:

أدر لي راحَ توحيدِ الا يا ايها الساقى  
أرحني ساعةً عني وَ عَن قيدي وَ إطلاقي»

(هان ای ساقی! برابم شرابی توحیدی بگردان / و مرا ساعتی از خویش و  
از دربند یا رها بودن، آسوده گردان)



و سپس اظهار نظر می‌کند که این شعر «... نشان می‌دهد که در محیط عرفان و ادب آن عصر، این الفاظ، اخذ یا تکرار شده است و ظاهراً سوءظنی را هم در باب این که کلام اصلش مأخوذ از گفته یک خلیفه منفور اموی باشد، برنینگخته است.»

(از کوچه‌رندان، دکتر عبدالحسین زرین کوب، ص ۲۰۹)

اما باید گفت که در مراجعه به دواوین عرب، به جای جست و جوی بیت یا مصراعی عین یا شبیه آنچه حافظ در مطلع نخستین غزل دیوانش به کار برده است، باید در پی مضمون مشابه آن بود، زیرا:

اولاً: «در تضمین، لازم نیست که شاعر دوم، عین ابیات یا مصاریع شاعر اول را بعینها و بالفاظها و بدون هیچ تغییر و تصرفی در شعر خود، محفوظ بدارد...»

(«بعضی تضمین‌های حافظ»، نوشته محمد قزوینی، یادگار، سال اول، شماره ۵، ص ۷۱)

ثانیاً: مضمون «فراخوانی ساقی برای گرداندن جام می» را در شعر شعرای عرب، بیشتر و راحت‌تر می‌توان یافت تا «بیتی» درست عین «مصرع» الا یا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها. (یک بیت عربی را در این جا در مقابل یک مصرع فارسی قرار دادیم زیرا «الا یا ایها الساقی، ادرکاساً و ناولها» در عربی از بحر هزج سالم است و بحر هزج همیشه در عربی یک بیت حساب می‌شود بر وزن چهار مفاعیلن، اما در فارسی یک مصرع محسوب می‌شود بر وزن همان چهار مفاعیلن.»

(یادگار، محمد قزوینی، شماره ۶، ص ۷۱)

با مراجعه کوتاهی به دیوان مهیار دیلمی؛ می‌توان به بیتی برخورد حاوی همان مضمون:

طرف نجدیة و طرف عراق

ای کأسِ یَدیرها ای ساقی!

(در نجد و در عراق، / کدام جام را کدام ساقی می‌گرداند)

(دیوان مهیار دیلمی، ص ۲۹۰)

اگر توجه شود که حافظ، به همان اندازه که در دیوان‌های فارسی مطالعه و با آنها انس داشته، همان‌قدر هم با دیوان‌های عربی مأنوس بوده است، می‌توان پذیرفت که دیدن مضمون مورد بحث، آن هم به طور مکرر، در دیوان‌های مختلف عربی، او را به سرودن مصراع معروف «الا یا ایها الساقی...» رهنمون شده است.

یعنی نباید در مورد این مصراع، به دنبال یک بیت معین از یک شاعر معین بود که حافظ آن را عیناً تضمین کرده باشد.

در هر صورت از موارد مذکور در بالا باید از شعر عباس بن احنف تا شمس مغربی و نیز بیتی که از مهیار دیلمی نقل شد، مورد مهم دیگری را افزود که احتمالاً حافظ در سرودن مصراع مورد بحث، به آن هم، گوشه چشمی داشته است و آن بیتی است که صاحب این قلم، در کتاب تأثیر فرهنگ عرب بر اشعار منوچهری دامغانی، نوشته دکتر ویکتور کیک Victor Kik به آن برخورد.

دکتر کیک، در فصل دوم کتاب خود به هنگام توصیف محیط ادبی منوچهری و نفوذ ادبیات عرب در آن، پس از ذکر نام چند تن از شعرای آل بویه، چون عضدالدوله و تاج‌الدوله، بی آن که مطلقاً به صرافت حافظ و شعر او افتاده باشد، شعری از ابوالعباس خسرو بن فیروز بن رکن‌الدوله، نقل می‌کند. (تأثیر فرهنگ عرب بر اشعار منوچهری دامغانی، چاپ بیروت، ۱۹۷۱، ص ۳۰ و ۳۱) که مطلع آن، مورد استناد ماست:

أدر الکأسَ علینا

ایها الساقی لِتَطْرَب